مدیریت شهری
شماره ۴۲ بهار ۹۵
No.42 Spring 2016
۴۰۳-۴۱۶
زمان دریافت مقاله: ۱۳۹۴/۲/۲۳ زمان پذیرش نهایی: ۱۳۹۴/۱۱/۶

تبارشناسیِ آنتروپولوژی تجربه زیستی در پدیداری مفهوم خانه

علیرضا آریان‌مهر- هیات علمی گروه معماری، واحد شهرکرد، دانشگاه آزاد اسلامی، شهرکرد، ایران.

چکیده

ایـن مقاله به بررسـی تاثیـرات فرایندها و تحـولات فرهنگی معاصر ماننـد مدرن شـدن، جهانی شـدن، رسـانه‌ای شـدن، گسـترش تکنولوژی هـای ارتباطـی و اطلاعاتـی، تحول خانواده، عرفی شـدن، تکنولوژیـک شـدن و رشـد فردگرایـی - برخانـه و مفهـوم آن مـی پـردازد. خانـه از دیـدگاه اقتصادی نوعـی «کالا»، از دیـدگاه هنری «نمـاد»، از دیـدگاه جامعه شناسـانه «نهـاد»، از دیـدگاه مهندسـی و معمـاری «بنـا» یـا سـاختمان، از دیـدگاه شهرسـازی «فضـا» و از دیـدگاه انسان شـناختی نوعـی «فرهنـگ» اسـت که تمـام ابعاد مذکـور را دارد. درک خانـه و جایـگاه آن در نظـام روابـط اجتماعی مـردم و جامعه نیز بـا درنظر گرفتن تمامی وجـوه نمادین، نهادین، مـادی و زیباشناسـانه خانـه یا همـان «فرهنگ خانـه» امکان پذیر اسـت. در انسان شناسـی این شـیوه جامع یا همه جانبه نگریسـتن بـه امـور انسـانی و اجتماعـی را «رویکـرد کل نگـر» می نامنـد. «فرهنـگ خانـه» همچنیـن دربردارنـده ریشـه ها، کارکردهـا و الگوهـای فرهنگـی مسـکن در هـر جامعـه معیـن اسـت. در بخش «فرهنـگ خانـه: ریشـه ها، کارکردهـا و الگوهـا» این مفاهیـم را به مثابـه چارچـوب نظـری مطالعه می شـود. در این مقاله به بررسـی ابعاد انسـان شـناختی فضاهای زیسـتی و خانه در رویکرد فضاهای خانگـی و ادراک هـای فرهنگـی از مسـکن پرداختـه می شـود.

واژگان کلیـدی: انسان شناسـی فضـا، مـردم نـگاری، فضاهـای زیسـتی، مفهـوم خانـه.

Investigation and analysis of biological anthropology with an emphasis on areas of domestic spaces

Abstract

This paper examines the effect of contemporary cultural developments such as modernization, globalization, media, the spread of information and communication technologies, the development of family, secularization, technology and the growth of individualism - the house and the concept of it. Home From an economic standpoint a “product”, from an artistic perspective “symbolic”, from a sociological point of view “institution” from the viewpoint of Engineering and Architecture by or building, Urban “space” and the anthropological vision of a “culture” is that all those aspects. Leave the house and its place in the system of social relations of people and society by considering all aspects of the symbolic, institutional, material and aesthetic home or “house of culture” is possible. In anthropology comprehensive or holistic way of looking at the human and social affairs “holistic approach” call. In the “Culture House: Origins, functions and templates” these concepts as the theoretical framework of the study. This article examines the anthropological aspects of home living spaces and homes in approach and understanding of cultural spaces housing will be discussed.

Key words: anthropology, space, demography, living spaces, the concept of home.

* نویسنده مسئول مکاتبات، شماره تماس: ۰۹۱۶۳۶۰۴۰۷؛ پست الکترونیکی: a.r.arianmehr@gmail.com

Downloaded from ijurm.imo.org.ir at 13:26 IRDT on Wednesday July 1st 2020
[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-03]

ادبیات نظری

مردم نگاری فضاهای زیستی

«کلیفور گیرتز» هدف مطالعات مردم نگارانه[1] را وضوح بخشیدن به مسائل فرهنگی که برای ما ناشناخته و مبهم هستند،[2] می داند: «مردم نگاری فعالیتی است که هدف آن ارائه قابل فهم و واضح موضوعات مبهم از راه فراهم ساختن زمینه‌ای روشنگر و گویا برای آنها است (Geertz ۱۹۸۳: ۱۵۲). «از اینرو مهمترین راهبرد روش شناختی که در مطالعات انسان شناسی دنبال می شود شناختن زمینه و بستر اجتماعی و تاریخی است که موضوع مورد بررسی در آن شکل گرفته و تطور و تکامل یافته است. این امر را اصطلاحاً «زمینه یابی» می نامند. زمینه یابی گاه «زمینه یابی تاریخی» است یعنی مسئله مورد بررسی در بستر زمان و تاریخ مطالعه می شود، و گاه به صورت غیرتاریخی است که آن را «زمینه یابی اجتماعی» می نامند.

انسان شناسی فضاهای زیستی

طی چند دهه اخیر رشته‌های مردم‌شناسی و انسان شناسی گسترش پیدا کرده است و این تحولات و گسترش ها یک سری تغییرات را شامل می شود: از جمله تغییر کاربرد انسان شناسی از یک روش برای تحقیق و پژوهش به یک دانش گسترده و یک رشته مستقل و کاربرد های مختلف آن در حوزه های مختلف.

دو علت عمده برای گسترش مردم نگاری عبارتند از:

۱.**«درک واقعیات از نقطه نظر کنش پذیری متکثر»**: انسان شناس ها متوجه شدند که باید حوادث و اتفاقات را در جامعه و در بستر واقعی که اتفاق می افتد، بررسی کنند. توصیف غنی و جامع و کامل درباره آن ارائه کنند (شرح غنی، توصیف پرمایه یعنی لایه های مختلف و معناهای مختلف یک موضوع را کشف کنیم). یک کنش با زمان و مکان و سیاست و اقتصاد و تاریخ و آینده ارتباط دارد و نمی تواند ان را مستقل بررسی کرد و دارای لایه های معنی گسترده ای است؛

۲.**«درک واقعیات از نقطه نظر درونی به جای بیرونی»**؛ این مفهوم به این معناست که در جامعه شناسی، جامعه شناس ابتدا به تعریف مفاهیمی می پردازد و بعد سعی می کند این مفاهیم را در جامعه بیاورد ولی در مردم‌شناسی اعتقاد بر این است که این مفاهیم را باید از درون خود جامعه بیرون کشید و نیز سهولت مردم نگاری در تبیین مسائل باعث رونق و گسترش استعمال و بسط آن شد.

مطالعات انسان شناختی از دهه ۱۹۸۰ به بعد بر پیوند این دو تأکید دارند و لازمه فهم زمینه اجتماعی را دانستن زمینه تاریخی آن می دانند. معماری و معماران بیشتر به «نمونه»ها یا «نمونه های ایده ال» می پردازند تا بتوانند اوج پیشرفت ها و تحولات در وجوه هنری، فنی

۱.«اتنوگرافی» دارای دو دوره است: ۱. کلاسیک ۱۹۲۲یعنی با انتشار کتاب «دریانوردان غرب اقیانوس آرام» مالینفسکی شروع شد که این کتاب حاصل زندگی وی در بین قبایل بود. روش مشارکتی به طور سیستماتیک انجام داد یعنی نظریه و مفهوم داشته باشد و یک مسئله‌ای هم از ذهن خود داشته باشد. توصیف و توضیح فرهنگ یک گروه اجتماعی معین و ثبت و ضبط این توصیف برای دیدن و نشان دادن آن فرهنگ دیدن و نشان دادن آن فرهنگ استفاده می شود. امکان دیدن نظام معنایی و فهم طبقه بندی گروه را داشته باشم و بعد هم آن را ثبت کنم و بتوانم آنرا نشان دهم. مردم نگاری (اتنوگرافی) دو معنا در انسان شناسی دارد: ۱. روش تحقیق خاص که انسان شناسی به کار می رود؛ ۲. محسوسات پژوهشی بدست آمده از مطالعات مبتنی بر اتنوگرافی. مردم نگار باید یک دانش بین حوزه ای داشته باشد مانند جغرافی، تاریخ و غیره. هرتوصیف علمی به صورت نردبانی صورت می گیرد: اول مشاهده ساده از دیدن این باید شروع کنیم به انتزاع که نیاز دیگر به ساختن داریم و باید مشاهدات را دسته بندی کرد. اولین کار بعد از مشاهده چه طور می توان ربط برقرار کردن است مثلا الگوهای جنسیتی.

۲. واژه «خانه» از مسکن و سایر کلمات مشابهبرای توصیف جنبه های فرهنگی سکونتگاه آدمی - در معنای مورد نظر در این مقاله- مناسب تر است زیرا خانه در زبان فارسی به معنای بنا و ساختمان، کلیت واحد مسکونی وهم به معنای درون سکونتگاه و روح معنایی حاکم بر سکونتگاه انسانی است. از اینرو ماتنها این واژه را تنها برای «خانه خدا» و اقامتگاه آدمی یا مکان هایی که انسان ساخته است مثل نمازخانه، کتابخانه، قهوه خانه، زورخانه و داروخانه. درحالی که مفاهیم مسکن، سکونتگاه، زیستگاه و امثال آن را برای توصیف محل سایر موجودات بکار می بریم. در عین حال تاکید می کنم که نمی توان سنت و مدرنیته را بصورت مطلق در تقابل دید، زیرا تفکیک دقیق چیزهای سنتی (قدیم) و چیزهای مدرن (امروزی)، امری بسیار دشوار است و در واقعیت همواره طیفی از سنت و مدرنیته وجود دارد. به تعبیر نیچه «همه شیوه های زندگی در عصر خود داعیه امروزی و نو بودن داشته اند، درست همان طور که امروز ماشیوه زندگی خود را نو میپنداریم.

Downloaded from ijurm.imo.org.ir at 13:26 IRDT on Wednesday July 1st 2020
[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-03]

و مـادی بناهـا را بشناسـند[1]. از اینـرو، بـرای این محققان عنوان معماری بیشـتر تاج محل، تخت جمشـید، بناهای رم باسـتان، فلورنـس، اصفهـان و امثـال اینهـا را تداعـی می کنـد نـه آلاچیق ها، سـیه چادرها، خانه هـای گنبدی و کاه گلی روسـتایی یا حتی آپارتمان ها و سـاختمان های مـدرن امـروزی. مراحـل تجربـه فرهنگـی بطور اعـم و در فضاهای زیسـتی بطور اخـص عبارتند از:

۱. «کسـب ابزارهـای مفهومـی»: همانطـور کـه زبـان مهمتریـن رکـن اصلـی در هـر رشـته‌ای به‌ویـژه علـوم انسـانی و مردم شناسـی اسـت، مفاهیم هم اسـاس و پایه کار انسان شـناس اسـت. انسان شـناس بـه کمک مفاهیم وارد قبیلـه می شـود و بـا مـردم ارتبـاط برقـرار می کنـد. به‌طورکلـی در هنگام تحقیق با دو دسـته مفهـوم روبه‌رو می شـویم: ۱) مفاهیـم عمومی و ۲) مفاهیـم اختصاصی. مفاهیـم عمومی نظیـر روش، فرهنگ، تکنیـک، تجزیه و تحلیـل کردن، شـناخت علمـی، و علم؛

۲.ورود بـه میـدان تحقیـق؛ یعنـی انتخـاب یـک زمینـه فرهنگـی خـاص و ایجاد رابطه بـا افراد اطلاع رسـان مورد نظر ؛

۱.انجـام کار میدانـی؛ همـان جمـع آوری و ثبـت داده ها اسـت کـه از طرق مختلـف امکان پذیر اسـت. نظیر بحث کـردن، مصاحبـه کـردن، نقاشـی کردن، نوشـتن، عکس گرفتـن و غیره؛

۲.توصیـف فرهنگـی؛ در ایـن مرحلـه بایـد بـه داده های بدسـت آمـده نظـم داد و آن هـا را تجزیـه و تحلیـل کرد و در نهایـت بـه تجربـه فرهنگی رسـید. مطالعه توصیفی در انسان شناسـی، پایـه علوم اجتماعی اسـت. در مطالعه مـوردی هـدف انسان شناسـان ارائه توصیفی جامع اسـت که دارای طبقه بندی، تبیین و تشـریح باشد. اگر توصیف غنـی و عمیق باشـد و همـه جوانب را تحت پوشـش قرار دهـد دارای تبییـن نیز می شـود. توصیفی که فاقد تبیین و تشـریح اسـت، توصیـف غنـی نیسـت و اشـکال کار از توصیـف اسـت. اساسـاً نمی تـوان توصیـف و تبییـن را از هـم تفکیـک کرد. زیـرا؛ هر نقطه نوع توصیفـی بر مبنای مجموعـه ای از فرضیـه هـا و پیـش فـرض هـای نظـری اسـت. در مطالعه توصیفی صرفـا توصیف نمی کنیم بلکه تبییـن هـم داریـم و مـی توان گفـت مطالعـات توصیفی عمـلاً به سـمت تبیین و تشـریح مـی روند.

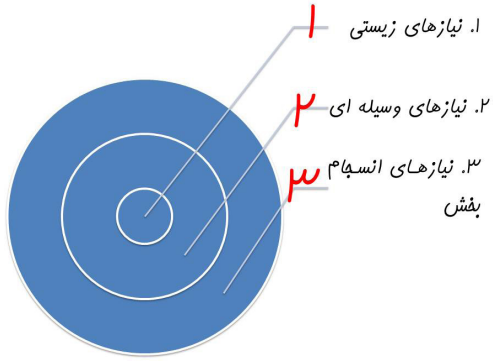
فرهنگ و فضاهای زیستی

خانـه مقولـه‌ای از جنـس فرهنـگ اسـت نـه طبیعـت و غریـزه. بـه زبـان کارکردگرایانـه و با منطق مالینوسـکی، خانـه نوعـی «نیاز زیسـتی» اسـت کـه «فرهنـگ خانه» بـرای پاسـخگویی بـه ایـن نیـاز شـکل گرفته اسـت و در کلیـت نظـام اجتماعی و فرهنگ انسـانی ادغام و سـازگار شـده اسـت. فرهنـگ خانـه از منظـر انسـان شـناختی «مجموعه ارزش ها و معانی اسـت که چیستی و چگونگی مفهـوم خانـه در یـک گـروه یـا قـوم و ملـت را تعریـف و تعییـن مـی کند.» اینکـه خانـه را چگونه بسـازیم، از چه مصالحی و موادی بهره بگیریم، چه نمادها و نشـانه هایی در آن بـکار بریـم، دربـاره آن چه احسـاس و تلقی داشـته باشـیم، چـه کارهای و فعالیـت هایـی در آن انجام بدهیم یـا انجـام آنها در خانـه را ممنوع کنیم، چگونـه خانه خود را توصیف و ترسـیم نماییم، چه کسـانی را در خانه ببریم و از ورود چـه کسـانی اجتنـاب کنیـم، خانـه را مقدس یا امـری عرفـی بدانیم، چه نسـبتی بیـن خانه و سـایر ابعاد زندگـی اجتماعـی برقرار سـازیم، چه آیین هایـی را درون خانـه و کـدام را بیـرون آن بجا آوریم و تمـام این مقولات در و بواسـطه «فرهنـگ خانـه» هر جامعه پاسـخ داده می شـود. فرهنـگ خانـه زیـر مجموعـه ای از کلیت فرهنگ جامعه اسـت.

«مالینوفسـکی» در کتـاب «نظریه علمی بـرای فرهنگ» (کـه بـه فارسـی هـم ترجمـه شـده اسـت) نظریـه

۱.زبان انسان شناسی عبارت است از: ۱. امیک (emic point of view)؛ نقطه نظر درونی و از منظر کنشگر. ۲. اتیک (etic point of view)؛ نقطه‌نظر بیرونی و از منظر ناظر کنش. خیلی از فرهنگ ها در منظر ناخودآگاه ماست. بر اساس عادت، سنت و فرایندهای جامعه‌پذیری؛ کارهایی برای ما درونی شده و آن ها را انجام می دهیم، مانند نماز خواندن (نقطه نظر درونی). اما از دید کسی که با نماز خواندن آشنا نیست و نمی داند که در حال انجام چه عملی هستیم، ممکن است به نظر برسد که در حال انجام دادن فعالیت ورزشی هستیم (نقطه نظر بیرونی). در سطح ناخودآگاه، ما مقلد مرجع هستیم و به دستور او نماز خواندن را به جا می آوریم. نگاه بومی بر اساس فرایند جامعه پذیری شکل می گیرد و از طریق پرسش از افراد به دست نمی آید. کار انسان شناس این است که آن قسمت درونی شده را در نظر بگیرد و با افراد تماس و ارتباط برقرار کند.

Downloaded from ijurm.imo.org.ir at 13:26 IRDT on Wednesday July 1st 2020
[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-03]



نمودار ۱. انواع نیازهای زیستی مورد انتظار از فضاهای زیستی در رویکرد نظریه فرهنگی مالینوفسکی؛ ترسیم نگارنده بر اساس نعمت الله فاضلی، ۱۳۹۲.

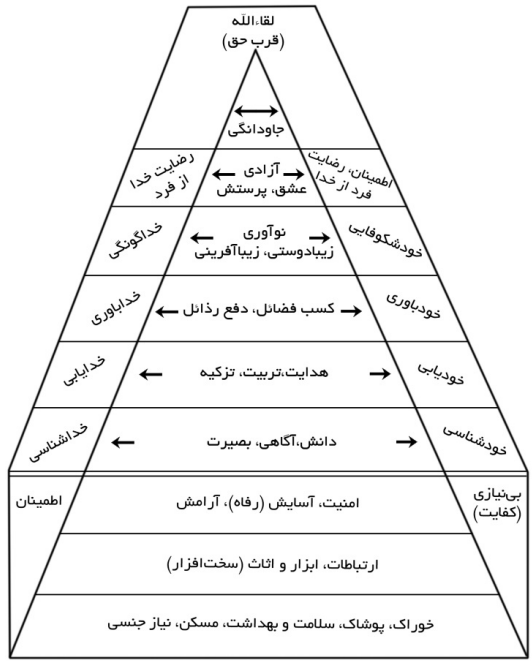
کارکردگرایی خود را مفصلاً شرح می‌دهد و می گوید: هریک از اجزای فرهنگ یک خاصیت و فایده‌ای دارد وگرنه وجود نمی‌داشت. و خاصیت آنها این است که به نیازهای فردی و جمعی افراد پاسخ می دهند. وی نیازها را به سه دسته تقسیم می‌کند: ۱. نیازهای زیستی مثل خوردن، پوشیدن و غیره؛ ۲. نیازهای وسیله‌ای مثل آموزش، پرورش، قوانین و غیره؛ ۳. نیازهای یکپارچگی یا انسجام‌بخش مثل دین، ایدئولوژی، جهان بینی ها که امکان ارتباطات و تفاهم و مبادله و هم زبانی و هم‌زیستی فکری را فراهم می‌کنند .

از نظر اسلام، ساحت ملکوتی و فراحیوانی انسان تعیین‌کنندهٔ ماهیت اصلی وی است بنابراین اساسی‌ترین نیازهای وی نیز به همین ساحت مربوط خواهد بود. در حقیقت تأمین نیازهای مادی در حد ضرورت و کفایت، برای بسترسازی جهت تأمین نیازهای غیرمادی انسان است. قرآن کریم در آیه‌های متعددی به این بخش از نیازهای انسان اشاره کرده است از جمله در آیه‌های ۸۶ ـ ۷۸ سورهٔ شعراء از زبان حضرت ابراهیم ، پاره‌ای از نیازهای ملکوتی و نعمت‌های معنوی را برشمرده است مانند: «نیاز به جاودانگی و خلود؛ نیاز به هدایت و رستگاری؛ نیاز به جبران لغزش‌ها و در گذشتن از خطا و برطرف ساختن اثرهای آنها؛ نیاز به برخورداری از حکم (قدرت، حکمت و حکومت)؛ نیاز به برخورداری از نعمت‌های جاودانه (بهشت)؛ نیاز به تأیید و الگوگیری دیگران و آیندگان از انسان.» این نیازها مادی نیستند و تمام آنها به نعمت‌های مادی برتری دارند چنانکه در کلام امیرالمؤمنان علی نیز تقوای دل برتر و ارزشمندتر از سلامتی جسمی و توسعهٔ در دارایی قلمداد شده بود. در آیهٔ ۹۲ سورهٔ آل‌عمران نیز انفاق در راه خدا را شرط برگشت‌ناپذیر رسیدن به نیکی و سعادت نامیده است و در آیه‌های دیگری از قرآن کریم به ابعاد دیگری از نیازهای معنوی انسان اشاره شده است. مانند آیه ۱۲۵ سورهٔ انعام که شرح صدر را لازمه رسیدن به آرامش و بهره‌مندی از دوستی خداوند دانسته و آیهٔ ۷۰ سورهٔ اسراء نیز نیاز به تکریم را باعث زمینه‌سازی برای شکوفایی استعدادهای ذاتی انسان قلمداد کرده است. با توجه به مضامین آیه‌هایی که به آنها اشاره شد و دیگر آیه‌های قرآن کریم، مهمترین نیازهای معنوی انسان را به صورت ذیل می‌توان فهرست کرد (احمدی، ۱۳۸۷، صص ۲۰۵ به بعد): «نیاز به کسب دانش، آگاهی و کشف حقیقت؛ نیاز به هدایت، تزکیه و تربیت؛ نیاز به کسب فضایل و دفع رذایل؛ نیاز به عشق و پرستش؛ نیاز به زیبادوستی و زیباآفرینی؛ نیاز به خلود و جاودانگی؛ نیاز به خودشکوفایی، خلاقیت و نوآوری؛ نیاز به آزادی.»

به این ترتیب، ابعاد و مراتب نیازهای انسان را در دو بُعد حیوانی (مادی) و فراحیوانی (معنوی) می‌توان مورد توجه قرار داد. حاصل تأمین درست نیازهای بُعد حیوانی رسیدن به حالت بی‌نیازی و اطمینان نفس حیوانی است و حاصل تأمین درست و اصولی نیازهای بُعد فراحیوانی (معنوی) انسان نیز رسیدن به حالت رضا و اطمینان کامل نفس است. در این مرحله است که نفس انسان در حالت اطمینان و رضایت به سوی پروردگار خویش باز می‌گردد (فجر (۸۹)، ۲۷ و ۲۸). نمودار شمارهٔ (۲)، ابعاد و مراتب نیازهای انسان را در دو بعد حیوانی و فراحیوانی و نتیجهٔ تأمین درست آنها را نشان می‌دهد.

براساس آیه‌های قرآن، آرمان‌ها و هدف‌های مؤمن را به صورت ذیل می‌توان بر شمرد که در قالب جدول زیر مورد اشاره قرار گرفته است:

Downloaded from ijurm.imo.org.ir at 13:26 IRDT on Wednesday July 1st 2020
[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-03]



نمودار ۲. انواع نیازهای زیستی مورد انتظار از فضاهای زیستی از دیدگاه قران کریم و دین مبین اسلام؛ ترسیم نگارنده بر اساس احمدی، ۱۳۸۷.

جدول ۱. آرمان های مومن در مفهوم انسان شناخت فضاهای زیستی؛ماخذ:نگارنده.

از اینروست که هر جامعه‌ای فرهنگ خاص خود را دارد، فرهنگی که متناسب تاریخ و جغرافیا و تجربه های یک ملت و قوم شکل می گیرد و با تغییر فرهنگ و شرایط اجتماعی، فرهنگ خانه نیز تغییر می کند. و از اینروست که دوره های مختلف تاریخی، فرهنگ های خانه مختلف را بوجود آورده و همچنان بوجود خواهد آورد و اثراتی به تبع زیر دارد:

۱. **«حس تثبیت و این جهانی شدن ماهوی»**: خانه انسان نقطه اتصال و تثبیت شدن در روی کره خاکی و بلکه کلیت عالم و هستی است. از اینرو اهمیت معنایی خانه در وجه اول در ایجاد «حس تثبیت» و «ثبات بخشی در کره خاکی و جهان است.» تلاش افراد برای صاحبخانه شدن و رهایی از خانه استیجاری بیش از هر چیز ناشی از احساس نیاز معنوی به پیدا کردن نقطه ای برای اتکا در روی خاک و جهان هستی، و برای نجات از معلق بودن و سرگشتگی پنهان است.

۲. **«حریم خصوصی»**: داشتن سرزمین و خانه ای از آن خود، نه تنها به معنای تثبیت و رهایی از سرگشتگی است، بلکه به معنای دستیابی به «حریم خصوصی» است. حریم جایی است که انسان می توان ارامش داشته و آنگونه ای که خود و فردیت او ایجاب می کند زندگی و رفتار نماید. حریم جایی است که حرمت انسان در آن پاس داشته می شود. از اینرست که تجاوز به حریم فرد، تجاوز به تمامیت هویت و حیثیت اوست. خانه «حریم فرهنگی» است که ما را از دیگری جدا می کند و در عین حال زندگی و همزیستی ما با دیگران را ممکن می سازد.

۳. **«مالکیت و نمایش قدرت»**: همچنین پیوند خانه، مکان و سرزمین با هویت و هستی اجتماعی انسان، به این مفاهیم ابعاد سیاسی گسترده می دهد و با قدرت در سطوح خرد و کلان آن لاجرم در می آمیزد. اینکه هر کس تلاش می کند تا خانه بسازد در خورد پیل، بدان روست که می خواهد نمایشی از قدرت از خود به دیگران ارائه کند. آسایش و امنیت و فراخی خانه و حتی زیبایی آن در پرتو مفهوم قدرت دستخوش تغییر اساسی می شود. ما می توانیم خانه ای بزرگ در شهری کوچک یا حتی کاخی در شهرکی کوچک داشته باشیم که امکانات زیست آن ایده‌ال باشد. اما آپارتمانی کوچک در شمال تهران را به آن کاخ در شهر کوچک را ترجیح می دهیم. زیرا زندگی در خیابان جوردن، میرداماد، الهیه و غیره مناطق اعیان نشین بار معنایی قدرتمندی دارد که زیستن در خانه های بزرگ در جنوب شهر یا شهرهای دیگر ندارد.

۴. **«زیبایی شناسی خانه»**: وجه فرهنگی بارز دیگر خانه و مسکن آدمی، جنبه های زیبایی شناسانه خانه و معماری است. هر خانه موزه ای از نمادها و نشانه های تاریخی و فرهنگی است که نه تنها میراث تبار و خاندان مشخص بلکه میراث قوم و ملت مشخص است. عناصر زیبایی شناختی معماری خانه ها میراث تاریخی قوم و ملتی است که ما به آن تعلق داریم. و اشیاء درون خانه از فرش ها، گلیم ها، ظروف، گچ بری ها،

Downloaded from ijurm.imo.org.ir at 13:26 IRDT on Wednesday July 1st 2020
[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-03]

مفهوم آرمانی	آیه مصداق
پاسخ به ندای فطرت الاهی خود و هماهنگی با آن در همهٔ شئون زندگی	«فَأَقِمْ وَجْهَکَ لِلدِّینِ حَنِیفًا فِطْرَةَ اللَّهِ الَّتِی فَطَرَ النَّاسَ عَلَیْهَا» (روم (۳۰)، ۳۰).
کسب معرفت الله و باور اینکه خداوند بر همه چیز آگاه است	«... لِتَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ عَلَی کُلِّ شَیْءٍ قَدِیرٌ وَأَنَّ اللَّهَ قَدْ أَحَاطَ بِکُلِّ شَیْءٍ عِلْمًا» (طلاق (۶۵)، ۱۲).
عبودیت و بندگی خدا	«وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنسَ إِلَّا لِیَعْبُدُونِ» (ذاریات (۵۱)، ۵۶).
بهره‌مندی از رحمت الاهی	«إِلَّا مَن رَّحِمَ رَبُّکَ وَلِذَلِکَ خَلَقَهُمْ ...» (هود (۱۱)، ۱۱۹).
تزکیه نفس برای کسب صفات جلال و جمال الاهی	«مَن تَزَکَّی فَإِنَّمَا یَتَزَکَّی لِنَفْسِهِ وَإِلَی اللَّهِ الْمَصِیرُ» (فاطر (۳۵)، ۱۸).
جانشینی خدا در زمین	«إِنِّی جَاعِلٌ فِی الْأَرْضِ خَلِیفَةً» (بقره (۲)، ۳۰).
رسیدن به امامت متقین و برخورداری از وراثت زمین	«وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِینَ إِمَامًا» (فرقان (۲۵)، ۷۴).
رسیدن به آرامش و اطمینان کامل و کسب رضای الاهی	«یَا أَیَّتُهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ ارْجِعِی إِلَی رَبِّکِ رَاضِیَةً مَّرْضِیَّةً» (فجر (۸۹)، ۲۷ و ۲۸).
رسیدن به قرب حق و نزدیکی به خدا	«وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ أُولَئِکَ الْمُقَرَّبُونَ» (واقعه (۵۶)، ۱۰ و ۱۱).

مدیریت شهری
فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۲ بهار ۹۵
No.42 Spring 2016

درها، منبت کاری ها، پنجره ها و اشکال هندسی شکل خانه همه و همه هستی ما را حمل می کنند و به وجود و هویت ما عینیت می بخشند.

نظریهٔ عمومی کنش و مفهوم انسان شناختی فضاهای زیستی

در مطالعه‌های جامعه‌شناختی، نظریهٔ عمومی کنش را بیش از هر کس «تالکوت پارسونز» به‌صورت علمی تبیین کرده است. در این نظریه، کنش اجتماعی (از جمله کنش اقتصادی) با ذهنیت کنش‌گر تفسیر می‌شود. یعنی ادراکی که کنش‌گر از خود و محیط خود دارد، افکار و اندیشه‌هایی که در سر دارد، آرمان‌ها و آرزوهایی که در سر می‌پروراند، احساسات عواطف و انگیزه‌هایی که وی را به کنش وامی‌دارد و واکنش‌هایی را در برابر کنش‌های دیگران از خود نشان می‌دهد؛ مبنای اصلی تفسیر و تبیین کنش اجتماعی است. بر این اساس، هر کنش اجتماعی از چهار عنصر اساسی: ۱. کنش‌گر، ۲. وضعیت، ۳. نمادها، ۴. قواعد (هنجارها و ارزش‌ها) تشکیل می‌شود و هر نظام کنش نیز چهار کارکرد اصلی است: ۱. سازگاری (Adaptation)؛ ۲. دستیابی به هدف (Goal Attainment)؛ ۳. یکپارچگی و انسجام (Integration)؛ ۴. حفظ الگوهای فرهنگی و نمادین (Latency). این چهار کارکرد به صورت مدل‌وارهٔ کارکردی نظام کنش در جدول ذیل نمایش داده شده است:

دستیابی به هدف‌ها	سازگاری
یگانی و انسجام	حفظ الگوهای فرهنگی

چنانکه کنش اقتصادی انسان را با نظریهٔ عمومی کنش متقابل تحلیل کنیم، درمی‌یابیم که فرایندهای اقتصادی جنبه‌های غیراقتصادی هم دارند که دانش کلاسیک اقتصاد از آنها غفلت می‌دارد و موضوع خود را در نوع ویژه‌ای از کنش انسانی یعنی رفتار اقتصادی عقلایی

Downloaded from ijurm.imo.org.ir at 13:26 IRDT on Wednesday July 1st 2020
[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-03]



نمودار ۳. مولفه های مورد نظر اسلام بر اساس دیدگاه انسان شناختی از انسان و حیات طیبه؛ ماخذ: نگارنده.

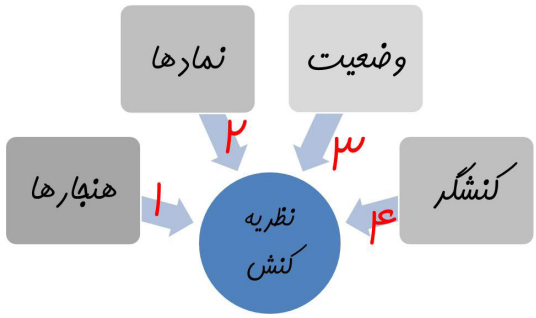
و علمـی (بـا صرف‌نظـر از دیگـر جنبه‌هـای آن) محـدود می‌سـازد و در تحلیـل خـود هـر رفتـار اقتصـادی را که با عقلانیـت اقتصـادی سـازگار نبـود، از قلمرو بررسـی‌های خـود خـارج می‌سـازد (پارسـونز، ۱۳۷۶، صـص ۱۳۱ ـ ۱۳۰).

انسان‌شناسی مسکن

اهمیـت معنایی خانـه در وجـه اول در ایجاد حس تثبیت و ثبـات بخشـی در کـره خاکی اسـت. تـلاش افـراد برای صاحـب خانـه شـدن و رهایـی از خانـه اسـتیجاری بیش از هـر چیز ناشـی از احسـاس نیـاز معنوی به پیـدا کردن نقطـه ای بـرای اتـکا در روی خـاک و جهان هسـتی و برا ینجـات یافتـن از معلق بودن و سرگشـتگی پنهان اسـت. حس تعلق داشـتن به جـا و مکان، اگرچـه ظاهری فردی دارد امـا گـروه هـا و اقـوام نیز تنهـا و تنهـا از راه تثبیت و تعلـق یافتن به جا و مکان مشـخص اسـت کـه می توانند هویـت و قـدرت خـود را تثبیت کننـد. (فاضلـی، ۱۳۹۱، ص ۳۵). در ادبیـات علمـی و بـه تبـع آن در این پژوهش، مسـکن صرفـاً بنایـی نیسـت کـه بـه عنـوان خانـه مورد اسـتفاده قرار می گیرد. مسـکن کلیتی از مباحث عمران، معماری و شهرسـازی، علوم اجتماعی، اقتصاد، و جمعیت شناسـی را در برمـی گیـرد. عناوینـی چـون همسـایگی، نـوع تصـدی (صاحب‌خانگـی یا اسـتیجاری و ...)، شـکل خانـه (آپارتمانـی یـا ویلایی، مجتمـع مسـکونی) یا خانه شـخصی، خوابـگاه اشـتراکی و ...)، بـازار مسـکن و غیـره ذیـل بحث مسـکن مورد مطالعه قرار مـی گیرد. مطالعات مسـکن را مـی توان در سـه دسـته طبقه بنـدی کرد؛

Downloaded from ijurm.imo.org.ir at 13:26 IRDT on Wednesday July 1st 2020
[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-03]

Downloaded from ijurm.imo.org.ir at 13:26 IRDT on Wednesday July 1st 2020



نمودار ۴. نظریه کنش پارسونز و مفاهیم تحلیل انسان شناختی فضاهای زیستی؛ ماخذ: نگارنده بر اساس پارسونز، ۱۳۷۶.

۱. «فرهنگی، زبانشناختی و تاریخی»؛ پرچمدار مطالعات مسکن با رویکرد فرهنگی راپاپورت است. این دسته از مطالعات در پی تحلیل فرهنگی رابطه میان خانه (مسکن/ سکونتگاه) و هویت هستند. در این تیپ از مطالعات بر ابهام مفهوم خانه تأکید می شود چراکه این مفهوم هم به سکونتگاه واقعی اشاره دارد و هم به خانه آرمانی.

۲. «فلسفی و پدیدارشناختی»؛ دسته دوم که سنتی دیرینه در مطالعات مسکن به شمار می رود، ریشه در فلسفه و جغرافیا دارد. در این دسته مطالعات که پدیدارشناسی هوسرل جایگاه ویژه‌ای دارد، بر تجربه سوژه‌محور و ادراکات ذهنی فرد از جهان هستی خود تأکید می شود. به نظر هایدگر دیگر نظریه پرداز مطرح در پدیدارشناسی، سکونت فرآیند تبدیل یک مکان به خانه تعریف می شود. نوربرگ شولتز در همین راستا مفهوم روح مکان و رلف مفهوم حس مکان را مطرح می کند. در این سنت مطالعاتی، رابطه میان هویت و مسکن بیش از آنکه به عنوان یک ساختار مطرح شود یک فرآیند در نظر گرفته می شود و تعابیر شاعرانه و فلسفی در آن به کار می رود.

۳. «روانشناختی»: مطالعات دسته سوم به دنبال تحقیق در باب معنای خانه هستند و بر زندگی روزمره انسانها تأکید می کنند. این سنت مطالعاتی به عنوان راهی برای توسعه روانشناسانه و تجربی معانی خانه شناخته می شود. یکی از این معانی، نمایش هویت است(Hauge, ۱۹۹۷: ۱۰۰-۱۰۱).

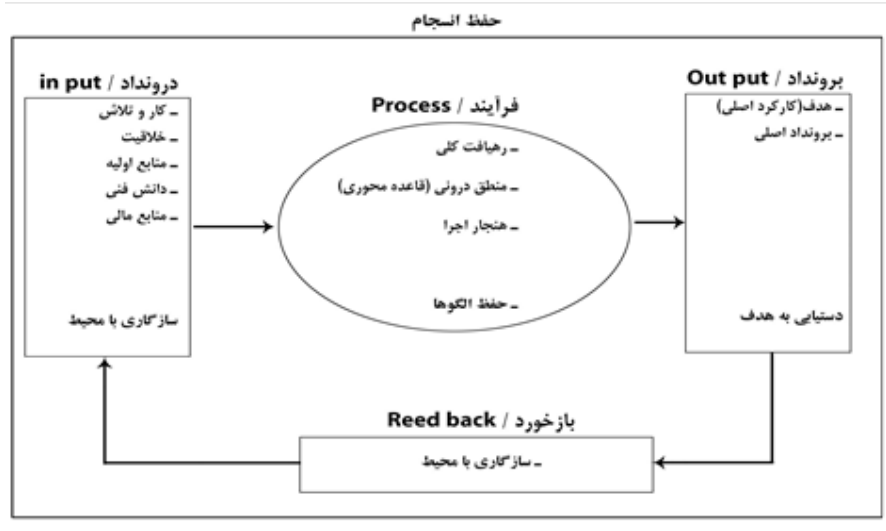
ابعاد انسان‌شناختی فرهنگی فضاهای زیستی مدرن

شناخت تاثیرات مدرنیته و فرایندهایش بر الگوهای سکونت و فرهنگ خانه در تمام جوامع بخصوص کشورهای در حال توسعه بسیار پیچیده و دشوار شده است زیرا در نتیجه تحولات مدرن و گسترده فرایندهای ارتباطی بین ملت ها و ادغام و اشاعه فرهنگ ها در یکدیگر، دیگر فرهنگ آن کلیت منسجم و یکپارچه ای نیست که انسان شناسان در قبایل و اقوام کوچک سنتی مشاهده و مطالعه می کردند. همچنین با رشد فردگرایی، در ایران و جوامع جمع گرا دیگر نیز مفهوم حریم خصوصی تغییر کرده و فرزندان نیز در درون خانه اتاق مخصوص دارند. نمادها و نشانه های درون خانه نیز دیگر کمتر بیانگر روح فرهنگ سنتی است. این امور به معنای قطع ارتباط بین فرهنگ و مسکن نیست بلکه این نسبت از نوع و گونه‌ای دیگری است همان طور که فرهنگ معاصر خود از جنس و گونه‌ای دیگر است.

محرمیت، خصوصی بودن و مفهوم خانه

احساس نیاز به فضای خصوصی یا محرمانه، بیش از هر چیز موضوعی فرهنگی است و به درک افراد از فضا ارتباط دارد. ادوارد هال، با مطالعه تطبیقی دو جامعه آمریکا و آلمان، نتیجه می گیرد که «آلمانی‌ها فضای خود را به عنوان تعمیمی از خودبینی و شخصیتشان احساس می کنند.» (هال، ۱۳۸۴، ص ۱۵۹). او همچنین مدعی می‌شود که آن‌ها حاضرند برای حفظ فضای خصوصی خود هر کاری انجام دهند، حتی در شرایط غیرعادی. مثال او در این‌باره مربوط به رفتار عجیب سربازان آلمانی زندانی در جریان جنگ جهانی دوم است که به محض قرار گرفتن در فضای کوچک سلول، با وسایل در اختیارشان، دیواری برای خود ساخته و حریمی شخصی بنا می کردند که حتی با کوچکتر شدن سلول و افزایش نفرات، این رفتار ادامه می‌یافت، حتی اگر فضای در اختیار گرفته توسط هر

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-03]



نمودار ۵. نظام‌واره کنش اقتصادی در محیط و فضاهای زیستی انسانی؛ ماخذ: نگارنده بر اساس پارسونز، ۱۳۷۶.

شخص، به اندازه سوراخ یک روباه می‌شد. او توضیح می‌دهد که سربازان آلمانی «سعی نمی‌کردند با یک تلاش مشترک و یک‌جا کردن وسایل افراد نسبت به ایجاد یک فضای بزرگ‌تر و کارآمدتر اقدام کنند» (همان، ص ۱۵۹) و «خلوت و تنهایی بصری» خانه‌ها در آلمان را نیز جلوه دیگری از همین ویژگی فرهنگی می‌نامد. هال معتقد است فرهنگ آمریکایی در این حوزه بسیار متفاوت از فرهنگ آلمانی است.

به نظر می‌رسد تقاضای فضاهای شخصی در داخل فضای خصوصی، یکی از مسائل و چالش‌های اصلی معماری امروز ایران است خصوصا که جریان عمومی خانه‌سازی در کشور، کوچک شدن مداوم فضاها بر اثر تراکم و نیز ملاحظات اقتصادی و مسئله قیمت است. با این‌حال نباید پیچیدگی ظاهری این مسئله باعث ناامیدی از یافتن راه‌حلی برای آن شود. درهرحال، خانه، فضایی بی‌بدیل است و به گفته باشلار: جایی که به ما فرصت می‌دهد روزبه‌روز در گوشه‌ای از جهان ریشه بدوانیم. (باشلار، ۱۳۹۱، ص ۴۴).

حفظ خویشتن و مفهوم خانه

مهم‌ترین نیاز هر شخص به خانه را می‌توان حفظ «خود» دانست که با مفهوم کلی «بقا» در ارتباط قرار می‌گیرد. منظور از آن اما نه صرفا بقای جسمی و فیزیکی و در امان ماندن از ناملایمات و خطرهای طبیعی و انسانی، بلکه شکل دادن به دنیای ذهنی و شخصیتی و نیز حفظ آنست. خانه در این معنا، مکانی است برای: «خلوت با خود و دیگران، بی‌تعرض غیر.» (حائری مازندارانی، ۱۳۸۸، ص ۴۹) یادداشت حاضر درواقع قصد کالبدشکافی همین نیاز ارتباطی با خود را دارد که از خانه انتظار می‌رود بیش از هر نیاز دیگری به آن پاسخ گوید. مارتین هایدگر گرچه در مورد پرداختن به این مفهوم، جزء پیشگامان نیست ولی بدون شک تحلیل او و استدلال‌های مبتنی بر ابعاد زبان‌شناختی‌اش را باید جزء قوی‌ترین متون در این حوزه به حساب آورد، آن‌جا که در توضیح مفهوم «سکونت»، توجه ذهن را به مفهوم «محافظت کردن» جلب کرده و تاکید می‌کند که همزمان برای آن، دو بُعد می‌توان متصور شد: «جلوگیری از بروز آسیب» و نیز «رها کردن و به ذات خویش واگذار کردن انسان‌ها». او درنهایت نتیجه می‌گیرد خانه، حصاری است که انسان برای آزادی خودش می‌سازد: «سکنی گزیدن، به آرامش رسیده بودن، یعنی: محصور شده ماندن در آزادی یا در ساحت آزادی، که هر چیزی را از حیث ذات خویش محفوظ می‌دارد. ویژگی بنیادین سکنی گزیدن، این محافظت کردن است.» (هایدگر، به نقل از: شار، ۱۳۸۹، ص ۳۳)

Downloaded from ijurm.imo.org.ir at 13:26 IRDT on Wednesday July 1st 2020
[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-03]

ایـن متناقض‌نمـای هایدگـری، (محصور شـده مانـدن در آزادی) قصـد انتقـال چـه پیامـی را دارد؟ و انسـان چگونه می‌توانـد در حصـاری خودسـاخته، بـه آزادی برسـد؟ غـرض از بحـث مذکور، به هیـچ وجه تشـریح این مفهوم هایدگری نیسـت بلکه تنها شـاهدی اسـت بر ایـن گزاره کـه خانـه می‌بایسـت بـه عمیق‌تریـن نیازهای شـخصی افـراد پاسـخ دهد و بنابراین چیزی بیـش از پناهگاه صرف است.

برآوری نیازهای روان شناختی و مفهوم خانه

هر فـرد، مجموعـه‌ای از نیازهـای «جسـمی» و «ذهنی» را دارا بـوده و خواهـان آنسـت کـه خانـه، مجالـی بـرای پرداختـن بـه آن‌ها باشـد. در این‌جا «نیازهای جسـمی»، شـامل خوردن، خوابیدن، تحرک، رابطه جنسـی و نظافت بـوده و «نیازهـای ذهنی» نیز بیـش از هر چیز بر تمرکز و تفکر، ابتکار و سـاختن و نیـز پرداختن به علاقمندی‌های فـردی ماننـد موسـیقی، نقاشـی و غیـره اشـاره دارد. هـر کـدام از ایـن نیازهـا بـا فضایـی در ارتباط قـرار می‌گیرند ولـی این بـه معنای آن نیسـت کـه رابطه مذکـور، تناظر یـک بـه یک اسـت. به عبـارت دیگر، یک فضـای واحد در صـورت طراحـی درسـت، می‌توانـد امکان پاسـخگویی به چندیـن نیـاز مختلـف را دارا باشـد. از منظر بیشـتر افراد، فضـای شـخصی، یـک فضـای ثابـت اسـت که تعلـق به فرد دارد. انباشـته شـده از وسـایل او و تزیین شده مطابق بـا ذهنیـات و سـلیقه اوسـت و فـرد می‌توانـد در مواقعی کـه نیـاز به فاصله گرفتـن از جمـع خانوادگـی دارد به آن پنـاه ببـرد ، مواقعی چون تفکر و تمرکز (بـرای کار، درس، تصمیم‌گیری‌هـای مهم، برنامه‌ریزی و غیـره)، مواقعی که دلگیـر اسـت و نیـاز بـه تنهایی و قضاوت نشـدن توسـط دیگران دارد و یا مواقعی که فعالیت مورد نظر او با فعالیت غالـب رایـج در خانه در آن زمان خـاص منافات دارد (مثلاً نیـاز به خوابیـدن، زمانی که دیگـران دارند فیلم می‌بینند یـا میهمـان دارنـد و غیـره). بـا توجه بـه ایـن توضیحات نیاز به بررسـی چگونگی تاثیرات مدرنیتـه و فرایندهایش (یعنـی عقلانی‌شـدن، عرفـی شـدن، بروکراتیک شـدن، دموکراتیک شـدن، صنعتی شـدن، شـهری و شهرنشـین شـدن، تخصصـی و تفکیک‌پذیـر شـدن)، و تحـولات مدرنیتـه متاخـر یـا بـه تعبیری دیگـر «پسـت مدرنیته» (ماننـد رسـانه‌ای شـدن، دیجیتـال شـدن، زنانه‌شـدن، فردی‌شـدن (فردگرایـی)، عامـه یـا مردم پسـند شـدن و بصـری شـدن) ضروری اسـت:

۱. **«امروزی شـدن خانه»**: مدرنیته به اشـکال مختلف از فـرم، کارکردهـا و درون خانه سـنت زدایی می کند. این فراینـد سـنت‌زدایی را می توان امروزی‌شـدن خانه نامید. مـراد از امروزی‌شـدن بریـدن خانـه از گذشـته و تاریـخ از یک‌سـو، و هماهنـگ شـدن بـا شـرایط زمـان حـال از سـوی دیگر اسـت. اسـتفاده از مصالح و تکنولوژی امروزی در سـاختمان خانـه در جامعـه پیشـامدرن دارای هویـت تاریخـی اسـت و همـواره بـا خود نوعـی تاریخ و گذشـته را حمـل می کند. خانـه ها مانند افراد دارای شناسـنامه و اصل و نسـب هسـتند و این هویت و تبـار به خانه منزلت و اعتبار مـی دهد.

۲.**«عقلانی شـدن خانـه»**: به همیـن دلیـل «معماریِ مـدرن» کـه ابتـدا در دهه‌هـا نخسـت قرن بیسـت ظاهر شـد، و بعد توسـعه یافت، الگوی تازه ای از خانه متناسـب بـا کارکردهای جدید آن بوجود آورد. اولین موج «معماری مـدرن» چند ویژگی داشـت: «کوچک بودن، سـاده بودن، حداکثـر اسـتفاده از فضـا، فاقـد نشـانه و رنـگ، برمبنای تقسیم کار فضایی.»

۳.**«شهری‌شـدن خانـه»**: اکنـون هویت‌یابـی و جامعه‌پذیـری فرزنـدان بـه بیـرون از خانه‌هـا (مدرسـه، خیابـان، سـینما، تلویزیـون، اینترنـت، پارک‌هـا، کافـی شـاپ‌ها، کتابخانـه هـا، ورزشـگاه‌ها و اسـتادیوم‌ها، شـهربازی‌ها) منتقـل گردیـده و تلقـیِ کامـلاً متفاوتی از جایگاه و نقش خانه نسـبت به سـابق بوجود آمده اسـت. بـه عبارتـی، خانه بعنوان جـزء کوچکی از شـهر و یا خانه در ارتبـاط بـا شـهر نـه در ارتبـاط بـا خودمان معنـا پیدا مـی کند.

۴. **«عرفی‌شـدن خانه»**: مدرنیتـه آنگونه کـه در غرب و اروپا تجربه شـده و در دیگر کشـورها بسـط یافته است، اغلـب بـا عرفـی یـا سـکولار شـدن فرهنـگ همـراه بوده اسـت. با گسـترش مدرنیته روح متافیزیکی و قدسـی که حاکـم بر ابعاد مختلـف فرهنگ بود بتدریج جـای خود را

Downloaded from ijurm.imo.org.ir at 13:26 IRDT on Wednesday July 1st 2020
[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-03]

بـه ارزش هـای عرفی و دنیوی داد. خانه و مسـکن سـنتی در جوامـع پیشـامدرن بـه صـورت هـای مختلـف حامل ارزش هـای دینی و باورهای اسـطوره‌ای و متافیزیکی بود. اما در شـرایط مـدرن دیگر خانه از نمادهای و نشـانه های متافیزیکـی خالی می شـود.

۵.«**جهان- محلی شـدن خانـه**»: نمی توان بـدون در نظـر گرفتن فرایندهای جهانی شـدن بـه درکی واقعبیانه از زندگی اجتماعی انسـان معاصر بدسـت آورد. گسـترش فرایندهای جهانی شدن فشـردگی و درهم تنیدگی زمانی و مکانـی، بتدریـج اهمیت مـکان را هـر روز می کاهد و به «فضـا» - فضـای مجازی سـاخته شـبکه های اینترنتی و تکنولـوژی هـای دیجیتالـی و ارتباطـی - اهمیت بیشـتر می دهـد. حتـی اهمیـت سـرزمین، وطـن و زادگاه نیز با چالـش مواجه شـده اسـت. «شـهروند جهانی» امـروز در جایـی بدنیا مـی آیـد، در جای دیگر تحصیـل می کند، و در سـرزمین های مختلف به کار می پردازد. جهان سـیال امروز می رود نوعی کوچ زیسـتی جهانـی نوین را همگانی و ابـداع کنـد. در ایـن شـرایط مفهـوم خانه، خانـه پدری، سـرزمین ابا و اجـدادی، و وطن و خانه خصوصی دیگر آن حـس و حال سـنت را تداعـی می کنند.

۶.«**فردی شـدن خانه**»: فردگرایی یکی از شـاخص های مهم رشـد مدرنیته بوده اسـت. مـراد از فردگرایی اهمیت یافتن و ترجیح خواسـته های فردی در برابر خواسـته ها، ارزش هـا و سـاختارهای کلـی جمعـی تاریخـی اسـت. فردگرایـی جنبه های سیاسـی، اجتماعی و اخلاقـی دارد. رشـد فردیت در عرصـه های مختلف می توانـد تاثیرگذار باشـد. خانـه یکـی از این عرصه ها اسـت. میل به داشـتن خانـه شـخصی مسـتقل و جدایی گزینـی از خانـواده و خانـه پـدری، تخصیص یافتـن فضـای خصوصـی بـه هر یـک از افـراد خانـه (اتاق فرزنـدان، اتـاق خـواب والدین)، اهمیت یافتـن کارکـرد حریـم خصوصـی، تنوع یافتـن سـبک های دکوراسـیون و آرایش منزل، و محدود شـدن روابـط همسـایگی همگـی بخشـی از فرایند فردی شـدن خانـه اسـت. «ریمونـد فیـرث و همکارانـش» در ۱۹۶۹ نشـان دادنـد آنچـه لوییـس و مود بـه منزلـه خانه طبقه متوسـط در بریتانیـا توصیـف کرده بودند در شـرف تغییر اساسـی اسـت. لوییـس و مود خانـه سـنتی بریتانیایی را اینگونـه توصیـف کرده انـد: «خانه طبقه متوسـط را خانه ای کـه کـم و بیش منتظم، مبتنی بر سلسـله مراتب نظم و حتـی آیین و مناسـک» توصیف کرده بودنـد(Firth et al. ۱۹۶۹).

۷.«**دمکراتیک شـدن خانه**»: خانه مفهومـی نابرابر در تلقی سـنتی داشـته اسـت. مفهـوم «خانه پـدری» بیش از هـر چیـز بیانگـر خصلت «پدرسـالارنه» خانـه در تلقی سـنتی آن اسـت. خانـه ماننـد دیگـر مقـولات اجتماعی مذکـر بـوده اسـت زیـرا اسـاس خانه بـر ایجاد آسـایش و رفـاه مـرد و تحت مدیریت و اقتـدار پدر اسـتوار بود. خانه در مالکیت پدر بود و زن و فرزندان نیز مانند خانه بخشی از دارایـی های او بشـمار می رفت. تجاوز به سـاکنان خانه نـه تنهـا تجـاوز بـه شـرف و نامـوس مـرد بلکه تجـاوز به امـوال و دارایـی هـای او بود. از این دیـدگاه می توان گفت کارکرد جنسـیتی خانـه ایجاد حریـم برای زنان اسـت.

۸.«**رسـانه ای شـدن خانه**»: جـان تامپسـون در کتاب «ایدئولوژی و فرهنگ مدرن» رسـانه ای شدن را مهمترین فراینـد تحـول فرهنـگ معاصـر می دانـد. بـدون تردیـد رسـانه ها از راه بازنمایـی و توسـعه و تسـهیل ارتباطـات و تسـریع گردش اطلاعات نقش و تاثیر مهمی در فرهنگ معاصـر ایفـا می کننـد. مهمتریـن تاثیـر تکنولوژی هـای ارتباطـی و رسـانه ای در زمینـه خانـه، تقلیـل دادن یکی از مهمتریـن کارکردهـای خانـه یعنی حریم سـازی خانه است .

۹.«**تجاری شـدن خانـه**»: نکتـه ای کـه در تحـول مفهـوم خانـه نقـش بسـیاری داشـته اسـت، غلبـه ارزش هـای سـرمایه دارانـه در زمینه مسـکن اسـت. همان طور کـه در ابتـدا اشـاره کردیـم خانـه از دید اقتصـادی نوعی «کالا»سـت. ایـن کالا ماننـد دیگـر کالاهـا تابـع قوانیـن عرضـه و تقاضـا و سـازوکارهای بـازار اسـت. غلبـه ارزش هـای کمـی و سـلطه پـول در جامعـه مـدرن - بـه تعبیر جـورج زیمیـل- تمـام ارکان فرهنـگ مـدرن را دگرگون کـرده و می کنـد. خانه هـا بیـش از آنکه توسـط سـاکنان آنها سـاخته و طراحی شوند، توسـط بنگاه های اقتصادی «بسـاز و بفروش» یا سـازمان های دولتی سـاخته و عرضه

Downloaded from ijurm.imo.org.ir at 13:26 IRDT on Wednesday July 1st 2020
[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-03]

می‌شوند. بنگاه های تولیدی واسطه ای نیز بر اساس معیار «سود» و ارزش مادی فعالیت می کنند.

۱۰.«بوروکراتیک شدن خانه»: در دوره مدرن و معاصر سیاست‌ها و برنامه‌ریزی‌های کلان دولت و شهرداری‌ها در زمینه فضاهای شهری، خانه‌سازی و تولید انبوه، نقش موثری در چگونگی فرهنگ خانه معاصر داشته و دارد. اما در شرایط جامعه پیشا مدرن، دولت ها نقشی در زمینه خانه سازی نداشتند و خانه بیش از هر چیز مقوله و امری خصوصی تلقی می شد. امروزه خانه بخشی از فضای شهر است و لاجرم باید متناسب با ساختارهای محلی، محله ای و شهری و همچنین سیاست های کلان ملی ساخته شود. در این شرایط مردم تنها در زمینه «درون خانه ها» قادر به انتخاب سبک و سلیقه خاص خود هستند و نمای بیرون و ساختار خانه باید با ملاحظه قوانین شهری شکل گیرد. شاید درک اینکه چگونه خانه و خانه سازی به صورت یکی از اجزاء نظام بوروکراسی و برنامه ریزی دولت و سازمان های عمومی مثل شهرداری ها درآمده است نیاز به توضیح نداشته باشد زیرا همه این تجربه را دارند که برای احداث خانه جدید باید «مجوزهای» مختلفی از سازمان های گوناگون اخذ کنند و در فرایند اخذ مجوز باید استانداردها و ضوابط معنینی را رعایت نمایند.

نتیجه‌گیری و جمعبندی

براساس مبانی و مفروض‌های توسعه انسانی در دیدگاه اسلامی، شاخص‌های مورد توجه در مجامع بین‌المللی برای سنجش میزان توسعه انسانی کافی و مناسب نیست. چرا که کانون محوری در رویکرد رایج توسعهٔ انسانی بسط انتخاب‌های انسان برای دستیابی به زندگی بهتر است در حالی که در رویکرد اسلامی، توسعهٔ انسانی هنگامی اتفاق می‌افتد که ظرفیت‌های انسانی به‌گونه‌ای ارتقا یابد که وی قادر باشد تعارض‌های درونی و بیرونی خود را حل کند و در فضای عدالت گسترده و فراگیر با پرورش ایمان و انجام عمل صالح در راه قرب حق و خداگونگی قدم بردارد و حیات طبیعی وی حیات طیبه شود. انسان دو گروه نیازهای مادی و معنوی دارد که دو بُعد حیوانی (مادی) و فراحیوانی (معنوی) وی را شامل می‌شود و با تأمین درست و مناسب این نیازها کمال طبیعی و معنوی‌اش محقق می‌شود. به این ترتیب، کمال بُعد مادی انسان به این است که بتواند به‌طور کامل در خدمت بُعد فراحیوانی و معنوی‌اش قرار گیرد؛ کمتر از این میزان، نقص است و ضعف و بیش از حد کفایت نیز مانع تحقق غایت اصلی وجود انسان و کمال بُعد معنوی وی نیز به این است که انسان طبیعی به انسان فطری و حیّ متأله تبدیل شود. براساس مبانی و مفروض‌های توسعه در نگرش اسلامی، توسعه عبارت است از: «فرایندی که در آن کیفیت و کمیت زندگی فردی و اجتماعی انسان بر مبنای اندیشهٔ ناب اسلامی تحول اساسی می‌یابد تا نیازهای مادی و معنوی وی را در همهٔ ساحت‌های زندگی تأمین کند». توسعهٔ انسانی موردنظر اسلام نیز عبارت خواهد بود از: «فرایند بسط ظرفیت‌های انسانی از راه تعدیل غرایز و تأمین نیازهای مادی و معنوی جهت حل تعارض‌های درونی و بیرونی وی با عمل بر جامعیت اسلام برای پرورش ایمان و عمل صالح در بستر عدالت فراگیر، به منظور دستیابی به حیات طیبه».

منابع و ماخذ

قرآن کریم.

نهج‌البلاغه.

احمدی، محمدرضا (۱۳۸۷) تبیین شاخص‌های توسعهٔ انسانی، دانشگاه عالی دفاع ملی (داعا)، پایان‌نامه دکترای مدیریت استراتژیک.

آمارتیا، سن (۱۳۸۱) توسعه به مثابه آزادی، ترجمهٔ وحید محمودی، تهران: انتشارات دستان.

پارسونز، تالکوت (۱۳۷۶) بی‌جا: بی‌تا.

حرانی، ابن‌شعبه (۱۴۰۴) تحف العقول عن آل الرسول ، قم: انتشارات جامعه مدرسین.

خلیلیان، محمدجمال (۱۳۸۴) شاخص‌های توسعهٔ اقتصادی از دیدگاه اسلام، قم: مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی

روشه، گی (۱۳۷۶) جامعه‌شناسی تالکوت پارسونز، ترجمهٔ عبدالحسین نیک‌گهر، تهران: مؤسسه فرهنگی

Downloaded from ijurm.imo.org.ir at 13:26 IRDT on Wednesday July 1st 2020

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-03]

ـ انتشـاراتی تبیـان، اول.
طباطبایـی، سیدمحمدحسـین (بی‌تـا) المیـزان فـی تفسـیرالقرآن، ترجمـۀ سـیدمحمدباقر موسـوی‌همدانی، تهـران: بی‌نـا.
جوادی یگانه، محمدرضا (۱۳۷۷) «انسان جامعه‌شناختی و مرزهای آن (نقد و بررسـی کتاب انسـان جامعه‌شناختیِ رالـف دارنـدورف)»، کتاب ماه علوم اجتماعـی(۲۲)، مرداد ۱۳۷۷:۱۲-۹.
حائـری مازندرانـی، محمدرضـا (۱۳۸۸)خانـه، فرهنـگ، طبیعت، تهـران، مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسـازی و معماری.
شـار، ادم (۱۳۸۹) کلبه هایدگر، ایرج قانونی، تهران، نشـر ثالث.
غزنویـان، زهـرا (۱۳۹۰) انسان‌شناسـی فضـای خانگـی شـهری؛ از مطلوبیـت تـا واقعیـت، پایان‌نامه کارشناسـی ارشـد، اسـتاد راهنمـا: ناصـر فکوهـی، دانشـکده علـوم اجتماعـی دانشـگاه تهـران.
باشـلار، گاسـتون (۱۳۹۱) بوطیقای فضـا، مریم کمالی و محمد شـیربچه، تهران، انتشـارات روشـنگران و مطالعات زنان.
هـال، ادوارد تـی (۱۳۸۴) بعـد پنهـان، منوچهر طبیبیان، تهران، انتشـارات دانشـگاه تهران.

Downloaded from ijurm.imo.org.ir at 13:26 IRDT on Wednesday July 1st 2020
[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-03]